



- کلر ژوبرت
- تصویرگر: عاطفه ملکی‌جو

عیدِ کله‌گنجشکی

صبح عید فطر بود. مامان پرسید: «چرا خوش حال نیستید بچه‌ها؟»
سارا گفت: «دیروز یکی از بچه‌ها گفت عیدمان الکی است.»
رضا گفت: «چون روزهی کله‌گنجشکی گرفته‌ایم.»
بابا گفت: «ولی روزهی کله‌گنجشکی تان خیلی قشنگ بود.»
مامان گفت: «خدا حتماً آن را خیلی دوست داشته.»
بچه‌ها آخم‌هایشان باز شد. گفتند: «پس برویم نماز عید، به همه تبریک بگوییم و شیرینی
پخش کنیم.»
توی راه بابا پرسید: «اگر باز هم کسی بگوید عیدتان الکی است، چه جوابی می‌دهید؟»
بچه‌ها با شادی گفتند: «می‌گوییم عید کله‌گنجشکی
خودمان را خیلی خیلی دوست داریم.»

